

بهنه خدا

کارآگاه سیستم
در ایران



هوپا
Hoopa

کارآگاه سیتو در ایران



سیندرل در تبریز



نویسنده: لاله زارع
تصویرگر: فاطمه محمدعلیپور



Copyright © Houpa Publication, 2025
The original creators of Inspector Cito character are Mr. Antonio Iturbe (text) and Mr. Alex Omist (illustrations) and that Inspector Cito is a registered Trade Mark.
This book, Inspector Cito in Iran, is written, illustrated and published in arrangement by Edebe Publishing House.
All rights Reserved.

پدیدآورندگان اصلی شخصیت کارآگاه سیتو در نسخه‌ی اسپانیایی آنتونیو ایتوربه (نویسنده) و آکس اومیس (تصویرگر) هستند. براین اساس، نشر هوپا در چارچوب قوانین بین‌المللی انحصار نشر (copyright) با عقد قرارداد با انتشارات edebe، امتیاز استفاده از شخصیت کارآگاه سیتو را خریداری کرده است و مجموعه‌ی «کارآگاه سیتو در ایران» را زیر نظر پدیدآورندگان نسخه‌ی اسپانیایی تألیف و منتشر کرده است.

برای بهراد خوش‌فبری



سرشناسه: زارع، لاله،
عنوان و نام پدیدآور: کارآگاه سیتو در ایران، سیندرلا در تبریز /
نویسنده: لاله زارع؛ تصویرگر: فاطمه محمدعلیپور.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.: مصور (رنگی).
فروست: کارآگاه سیتو در ایران ۸
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۷۱۷-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: کارآگاهان -- داستان
Detectives -- Fiction
داستان‌های پلیسی
Detective and mystery stories
شناسه افزوده: محمدعلیپور، فاطمه، ۱۳۶۳، تصویرگر
ردمبندی دیویی: ۳۶۳/۲۵
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۹۸۷۴۹۵



کارآگاه سیتو در ایران ۸

سیندرلا در تبریز

نویسنده: لاله زارع
تصویرگر: فاطمه محمدعلیپور
ویراستار: الهام رضوی
طراح گرافیک: سحر احدی
ناظر چاپ: سینا برازوان
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۷۱۷-۷



هوپا

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان روانمهر، بعد از دانشگاه، پلاک ۴۸، طبقه‌ی پنجم
کد پستی: ۱۳۱۵۵۳۴۹۶ تلفن: ۰۲۱-۹۱۲۰۰۲۰۲ www.hoopa.ir info@hoopa.ir
• همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
• استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.

فرمانده تروئوس دستور داده بود کارآگاه و دستیارش به تبریز بروند، چون آن‌جا دزدی عجیبی اتفاق افتاده بود. هوا سرد و برفی بود.
کارآگاه از فرمانده پرسید: «مشروطه اسم یه آدمه؟»

- نه کارآگاه! مشروطه یه اتفاق تاریخی مهم توی ایرانیه. وقتی کارآگاه و چین‌می‌ادو به موزه رسیدند، از کنار یک خانم مُسن رد شدند که داشت با صدای بلند با پلیس حرف می‌زد. کارآگاه فقط چند کلمه از حرف‌های خانم را شنید: «برف، لنگه‌کفش، گربه»، ولی نتوانست ربطشان را بفهمد. داخل موزه، مأمور پلیس گفت: «به ما کمک کنید بفهمیم کی جرئت کرده مدال یادبود ستارخان و گلوله‌ی تپانچه‌ی باقرخان رو بدزده!»



کارآگاه گفت: «آقای ستارخان و باقرخان کدوم یکی از شماید؟»
پلیس‌ها برای کارآگاه توضیح دادند که آن‌ها دو جنگجوی شجاع و مشهورند که ایرانی‌ها خیلی دوستشان دارند.
چین‌می‌ادو گفت: «اوه! پس دزد چطور جرئت کرده وسایل اون‌ها رو بدزده؟»
پلیس گفت: «و به جای چیزهایی که دزدیده آدامس بذاره.»

کارآگاه و چین‌می‌ادو با هم گفتند: «واقعاً؟!»
- بله. یه آدامس گیاهی به اسم «سَقَز».
پلیس گفت: «همه‌ی درها قفل بوده و معلوم نیست دزد از کجا وارد موزه شده.»
بعد از آن‌که کارآگاه همه‌جا را با انواع ذره‌بین‌ها گشت و هیچ نشانه‌ای کشف نکرد، همراه دستیارش به «اٹل گلی» رفت تا به مغزش فسفر برساند.



برف اثل‌گلی را سفیدپوش کرده بود. کارآگاه باقلوا سفارش داد و آن را درسته خورد. باقلوا آن قدر شیرین بود که گلوش به سوزش افتاد.

چین می‌ادو گفت: «چرا شیرینی‌های این جا این قدر شیرینه؟» کارآگاه جواب داد: «چون فقط با یه چیز خیلی خیلی شیرین می‌شه با سرما مبارزه کرد.» ناگهان یک نفر گفت: «ولی هوا اون قدرها هم سرد نیست.»

کارآگاه و دستیارش که غافل‌گیر شده بودند، پشت سرشان را نگاه کردند. آن خانم مُسنی که جلوی «خانه‌ی مشروطه» دیده بودند، پشت سرشان بود! چین می‌ادو پرسید: «ما رو تعقیب کردید؟» خانم مسن نشست پشت میز و گفت: «بله. چون مطمئن شما می‌تونید کمکم کنید.»

